

علی (ع) در ترانه‌های عامیانه

محمد افروغ^۱

چکیده

ترانه‌های عامیانه جزء موسیقی فولکلور و میراث فرهنگی محسوب می‌شوند. این ترانه‌ها زاینده اندیشه، خلاقیت، احساسات و عواطف عموم مردم ایران هستند. ترانه‌های عامیانه در حقیقت وامدار جایگاه، مقام و حضور گسترده حضرت علی (ع) در تمام عرصه‌های زندگی مردم و بخصوص در حوزه موسیقی عامیانه و ترانه‌های محلی است. به ندرت می‌توان منطقه یا مناطقی از کشور را نام برد که در حوزه ترانه‌های عامیانه از نام، یاد و شأن مولای متقیان علی (ع) خالی باشد.

کلیدواژه‌ها: علی (ع)، شعر محلی، ترانه محلی، نوروزخوانی، عشق، قصه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی موزه‌داری سازمان میراث فرهنگی

مقدمه

همانطور که گفته شد ترانه‌های عامیانه بخشی از میراث فرهنگی تلقی می‌شود که ریشه در اعتقادات و باورهای یک ملت دارد و از دانش، اندیشه و عواطف انسانی سرچشمه می‌گیرد. از حوادث مشترک زندگی مردم مایه گرفته و اصولاً خصلتی جمعی دارد. به صورت سینه به سینه و شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و در این روند از شرایط حاکم بر زندگی جاری مردم نیز متأثر می‌گردد. هنرهای عامیانه که بخش عظیمی از این میراث فرهنگی به شمار می‌رود پیوند مستقیم و قوی هم با زندگی تولیدی و هم با ترانه‌های عامیانه دارد به طوری که مردم در حین کار و تلاش خود از ترانه‌های عامیانه مدد می‌گیرند. محتوای بیشتر ترانه‌های عامیانه در روستاها و عشایر به مقام علی(ع)، وصف رشادت، شجاعت، مهربانی، عطف و سایر خصلت‌های آن حضرت اختصاص دارد.

ترانه‌های عامیانه و سنتی ایران بیان احساسات مردم ایران است که در قالب معین و همگن و دلنشین ارائه می‌شود. این ترانه‌ها در تمام اشکال خود سرشار از مضامین و تعبیرهای اسلامی است و این امر جزو ویژگی‌های این هنر بی‌پیرایه و ساده محسوب می‌شود. هنرمندان مسلمان و متعهد ایرانی تاکنون توانسته‌اند با آمیختن فرهنگ و هنر ایرانی با مضامین، تفکرات، تعبیرها و ارزش‌های اسلامی امکان بروز و رشد را برای خود و ترانه‌های عامیانه فراهم کنند.

حضور امام علی(ع) و نام و یاد ایشان در تمام عرصه‌های زندگی و هنر ایرانی، بخصوص در حوزه موسیقی و ترانه‌های محلی و عامیانه گسترده است. زیرا در باور ایرانیان مسلمان حضرت علی(ع) نزدیک‌ترین شخصیت اسلامی به رسول اکرم(ص) و امام اول شیعیان جهان و صالح‌ترین بنده‌ی خداست.

این شخصیت بی‌همتا مردی است که در تمام عرصه‌ها سرآمدترین انسان است و ذکر نام مقدس او گره از هر مشکلی باز می‌کند و به فرد آرامش و انرژی می‌دهد و نمود این را در ترانه‌های محلی و عامیانه شاهد هستیم.

نوشته حاضر به جلوه و سیمای حضرت علی(ع) در ترانه‌های عامیانه نظر دارد اما پیش از آن از بیان نکته‌ای ناگزیر است: زندگی و منش شخصیت‌های اساطیری، تاریخی، مذهبی و ملی در باور عوام، مقوله‌ای پرکشش و عبرت‌آموز بوده و جای تأمل و پژوهش جدی دارد و در این میان، چهره‌های دینی و مذهبی و به تعبیر دیگر اولیاء... جای ویژه‌ای دارند.

در ادبیات تمام ملل چنین شخصیت‌هایی در مقام نیروهایی برخوردار از قدرت ماوراء طبیعت و فرانسائی نمایان می‌شوند و نقش چاره‌گر و حمایت‌کننده و فریادرس دارند. برای این پدیده - چنان که می‌دانیم - مفسران ادیان و مذاهب و دین‌باوران، از یک سو و صاحبان آرای اجتماعی و فلسفی و جامعه‌شناسی - در زمینه‌های مختلف - از سوی دیگر، توجیحات و تعبیرها و برداشت‌های خاص خود را دارند که این نوشته وارد آن آرا نمی‌شود. ارادت و عشق مطلق ایرانیان، بویژه شیعیان به حضرت علی(ع) و فرزندان او باعث شده تا آن بزرگواران در میان چهره‌های قدسی صاحب‌نقش در آفرینش فولکلور سهم بیشتری داشته باشند و در این میان سیمای علی(ع) جایگاه ویژه‌ای دارد.

علی(ع) در ترانه‌ها به مثابه فریادرس و یاری‌دهنده حضور همیشگی دارد اگرچه همچون مراد و مرشد و پیامبرش یک انسان است اما در اساس، او نماد و نمونه به شمار می‌رود. مردم آنچه در علی(ع) می‌جویند و می‌یابند، چیزی برتر و فراتر از الگوها و نمادهای پیرامونشان است و علی را انسانی مثال‌زدنی در جهان آرمانی‌شان می‌شناسند و دوست دارند خودشان و همه‌ی مردم چون علی باشند. هم از این روست آنکه در پیرامون خود دادرسی نیافته، هم‌کیشان و همراهانش گره از کار فروبسته‌اش نگشوده‌اند با چنین سوز و دردی از علی(ع) و خدای او چاره‌جویی می‌کند:

به اشک چشم پیغمبر	به سوز سینه‌ی حیدر
دگر طاقت نمی‌آرم (همایونی، ۱۳۷۹: ۴۸۵)	مرادم ده همین روزی
یا امیرالمؤمنین درخواست کن	یا اعلی‌العالمین در بازکن
با دو انگشت یدا... بازکن (هدایت، ۱۳۵۲: ۴۸)	مشکلی افتاده اندر کار من

غم ناله‌ها و سروده‌های درد و اندوه، گرچه سهم قابل توجهی در ترانه‌ها دارند اما یاد و نام سیماهای قدسی و محبوبان خدا بر بسترهای گوناگون از حالات و احساسات برآمده از شادی و سرور نیز جای ویژه‌ای دارند شمار و مضمون این نوع ترانه‌ها بسیار است و آنچه از این پس می‌آید، گزینه‌ای از میان انبوهی از گونه‌های مضمونی است:

علی (ع) در عشق

در عاشقانه‌ها، نام و یاد علی (ع) فضای عاطفی میان عاشق و معشوق را تلطیف و روحانی می‌کند. عاشق و معشوق ترانه‌سرا یا ترانه‌خوان، در استواری بر عهد و پیمانشان، حریم قداست و تبرک نامش را شاهد و گواه می‌گیرند و بر استواری عهد خویش، به نام او سوگند می‌خورند:

به قرآنی که خطش ناشماره

به مولایی که تیغش ذوالفقاره

سر از سودای عشقت برندارم

که تا دین محمد پایداره

(افروغ، الیگودرز، مشاهده)

velom tâ to nayâyi mo naxandom

ولم تا تو نیایی مو نخندم

na sorme češ konom na sar bebandom

نه سرمه چشم کنم، نه سر ببندم

qasam xordam sare šahe velâyat

قسم خوردم سر شاه ولایت

be jaye asbe šahi xar nabandom

به جای اسب شاهی، خرنبندم

beyo junom ke junet bi balâ bâ

بیو جونم که جونت بی بلا با

tane nâz parvarat dur az balâ bâ

تن ناز پرورت دور از بلا با

(پاپی، خرم آباد، نگارنده)

biyâ delbar banâye delbari kon	بیا دلبر بنای دلبری کن
dokun vakon banâye zargari kon	دکون واکن، بنای زرگری کن
agar mehre ali dar sine dâri	اگر مهر علی در سینه داری
mohebat čand ruzi bištari kon	محبت چند روزی بیشتری کن

(پازدار، الیگودرز، نگارنده)

حقیقی‌ها

گونه‌ای از ترانه‌ها که از نظر محتوا و مضمون به مدح و توصیف چهره‌های قدسی اختصاص دارد. در «سده بیرجند» این نوع ترانه‌ها را «حقیقی» می‌نامند. حقیقی‌ها، صرفاً در حق و حقیقت، مدح و منقبت اولیای دین، پیامبر اکرم (ص) و بالانحص حضرت علی (ع) می‌باشند. (پناهی، ۱۳۷۶: ۳۹۷)

این نامگذاری که در نقاط دیگر ایران به آن اشاره نشده، تمجید جالب و مناسبی است. در حقیقی‌ها، علی بیش از دیگر سیمای قدسی در چشم‌انداز ترانه‌سرا و ترانه‌خوان جلوه‌گر می‌شود:

در این گلزار بوی گل میایه

صدای چهچه بلبل میایه

چه غم داری اگر، در وقت مردن

همون ساعت صدای دلدل^۱ میایه (همایونی، ۱۳۷۹: ۴۸۲)

امام اولم اومد به میدان

ملایک بر سرش می‌خواند قرآن

همون نام محمد در کتابه

علی از جانب پلوردگار^۲

۱. نام اسب علی بن ابیطالب (ع)

۲. پلوردگار = پروردگار

(همان: ۲۱۷)

گفتنی است که در حقیقی‌ها سراینده یا خواننده ترانه، جز شوق لقای علی، هیچ تمنایی ندارد. او را در بوی گل و صدای بلبل می‌جوید:

sarandâze amiro gušeye pol	سرانداز امیر و گوشه پل
qadamgahe ali jasome doldol	قدمگاه علی، جا سُم دلدل
araq az čehreye sorxe mohammad	عرق از چهره‌ی سرخ محمد
čekide bar zamin peyda šode gol	چکیده بر زمین، پیدا شده گل

(همان: ۳۳۰)

سحر سنبل دمید و لاله سرزد

لجام نقره بر اسب کهر زد

لجام نقره و زین مرصع

امیرالمؤمنین دس ور کمر زد (پناهی، ۱۳۶۸: ۳۹)

بهار اومد، بهار اومد، خوش اومد

علی با ذوالفقار اومد، خوش اومد

علی با ذوالفقار قنبر جلو دار

که سنبل لاله‌زار اومد، خوش اومد (همایونی، همان: ۱۲۸)

da del nume xodâ ra mige golzâr	دل ^۱ نوم خدا ر می‌گه گلزار
davâzdah anbiyâ ra mige golzâr	دوازده انبیا ر می‌گه گلزار
davâzdah anbiyâ va sarvare din	دوازده انبیا و سرور دین

علی شیر خدا ر می‌گه گلزار (پازدار، الیگودرز، نگارنده)

علی(ع) را در خواب دیدن، مضمون دیگری است که در حقیقی‌ها تکرار شده است.

علی دیدم، علی در خواب دیدم

علی در مسجد و محراب دیدم

علی دیدم سوار دُلْدُلُش بود

چو قنبر در کنارش می‌دویدم (ناصری، ۱۳۷۹: ۱۵۴)

مسلمانان من از دوستان علی هستم	مسلمانان من دوستانه‌علیمه
دوازده تن امام را در خواب دیدم	دوازده تن امامه خو بدیمه
زیر سر حضرت فاطمه بالش بود	حضرت فاطمه بالش سرینه
محمد صل‌ا...، سرور دین است (همایونی، همان: ۲۵۲)	محمد صل علی سرور دینه

کارآوا

بخش جذاب و پرحرکت در ترانه‌هایی که نام علی(ع) را با خویش دارند، به کار، کار بدنی و فیزیکی تعلق دارد. در کارآوا علی(ع) حضوری نیروبخش و به تعبیری برکت‌خیز دارد. آنگاه که زمین را شخم می‌زنند، بذر می‌پاشند، آبیاری می‌کنند، درو می‌کنند و خرمن می‌کوبند، محصول را برمی‌دارند و تقسیم می‌کنند نام و یاد علی و فرزندان او را در کارشان شرکت می‌دهند، گندم‌کاران روستای «سمیه» در دهستان شبانکاره شهر برازجان برای وزن کردن گندم شبی خوش یمن را در نظر می‌گیرند، کسی که مسئول پیمانانه کردن گندم است و تسبیحی دردست دارد، از نام علی(ع) شروع می‌کند و هر پیمانانه گندم را با نام یکی از امامان از خرمن برمی‌دارد و در جوال یا ظرف صاحب سهم می‌ریزد.

امام اولم خوانم علی را

امام دومم خوانم حسن را

امام سومم شاه شهیدان (نجف زاده، ۱۳۷۵: ۹۱)

اساساً در بیشتر آیین‌های تقسیم محصول، قاعده شمارش و کیلو کردن گندم و محصولات مشابه با چنین رسمی رایج است. سیستمی‌ها، ترانه‌ای با وزن هجایی هنگام کیلو کردن گندم می‌خوانند که دارای ساختاری کمابیش مشابه ترانه یاد شده است.

کیل اول : یک، خدا یکی است

کیل دوم: دو، محمد رسول خداست

کیل سوم: سه، علی ولی خداست

مصراع‌های بعدی، مضامین متفاوتی دارند: کیل چهارم: چهار، برکت خدا بسیار... اما در کیل دهم، باز نام محمد (ص) و امام علی (ع) و امام حسن (ع) ختام یک دوره از کیلو کردن است. کیل دهم: ده هزار بیشتر شود، دین محمد از کرم علی. (صدیق، ۱۳۵۰: ۱۵۸)

نکته حساس و جالب در کارآوا اینکه آنچه به علی (ع) نسبت داده یا از او طلب می‌شود نه زیاده‌طلبی است و نه مبتنی بر تضرع و لابه و نوحه‌سرایایی. طلب و نیاز، عقل‌پذیر و خود مدار است و به پدیده‌های خرافی و باورگریز تمسک جسته نمی‌شود: طلب است و یاری جستن و کمک خواستن شرافتمندانه برای وصالی پاکیزه در عشق، نیرو یافتن در کار، برکت در محصول، بارور شدن درخت، جوشش و غلیان چشمه‌سار و کاریز و رودخانه برای سیرابی و زایایی زمین و این همه موهبت خالق است و حق مخلوق که اگر عوامل اهریمنی شناخته یا مرموز و ناشناخته، تحقق این حق را مانع شوند علی (ع) باید با نیروی الهی یدالهی وارد عرصه شود و حق را به کرسی بنشانند.

در شدت و دشواری کار، نام علی بوی سیب است که خستگی را از تن دور می‌سازد. در آیین «جوی‌روبی و بیل‌گردانی» در «نیمه‌ور» هرگاه که مردم شرکت کننده در این «کارآیین» جمعی احساس خستگی و درماندگی کنند یکی از بیل‌دارها که صدای نسبتاً خوشی نیز دارد، سرودی می‌خواند و دیگران او را همراهی می‌کنند:

خواننده: اگر ناتوانی بگو یا علی

جمعیت: یا علی

خواننده: اگر خسته جانی بگو یا علی

جمعیت: یا علی

خواننده: چو بینی تنت را به بلا، مترس از بلا و بگو یا علی

جمعیت: یا علی (جنیدی، ۱۳۶۴: ۹۸)

فضای روحانی که به این شیوه درکار آوا ید می‌افکند، نه خشک و نه خون‌آلود که مفرح و نشاط‌آفرین است و کارآیی و کارورزی را فرا می‌برد. زنان لوبیاچین اردکان، هنگام کار دسته‌جمعی در مزرعه ترانه‌هایی که آمیزه‌ای از شوخی‌های دوستانه است می‌خوانند که در آنها از علی (ع) یاری و قوت بازو طلب شده است.

سرخوان: هیالا، هیالا
زنان: هیالا، هیالا

سرخوان: هیالا، هیالا ورم رفت به بالا به توفیق بارا...

زنان: هیالا، هیالا...

سرخوان: چه بار خنکی بی، چه لوبیای تنکی بی، هیالا و یاعلی یاور تش افتاده

سماور

زنان: هیالا هیالا (واژه‌ها هیالا=یا...، شالا=انشاء...، تش=آتش، بی=

باشد، نگو=نگوید)

(پناهی، ۱۳۸۰: ۱۶۰-۱۵۹)

ترانه‌خوان و ترانه‌سرا که کارمایه و پایه اصلی زندگی اوست، خود را به‌طور مطلق به «امیر علی (ع)» رها نمی‌کند که علی (ع) از آسوده‌طلبان و کارگريزان و تن‌پرورانی که به حساب دسترنج دیگران زندگی می‌کنند، بیزار است حتی اگر ستایشگر و مداح او باشند، زیرا علی، خود ارج‌گذار و دوست‌دار کار است و از کار، اگرچه در نخلستان جهودان باشد، تن نمی‌زند برای او گوارا و پسندیده است که رنجمایه و مزدکار خود را قوت و لقمه کودکان یتیم و مردان و زنان بی‌کس و از کار افتاده کند.

چنین است که به روایت ترانه، روستایی همچنان که کار می‌کند عشق و مهر علی را در سینه و خیال می‌پرورد و قوت بازو، برکت تولید و دستاورد خود را از او می‌طلبد. تجلی این الفت را می‌توان از ترانه زیر که زنان عشایر الیکایی گرمسار هنگام کار طاقت‌فرسای مشک‌زنی می‌خوانند دریافت:

آی مشکم و آی مشکم هم روغن و هم کشکم برکت بده خدایا نذری دهم به ولا

پن سیر روغن به نذر آقام علی می‌کنم خرجی دهم برای امام اولی را

علی علی مشکونم یک من روغن کشکولم علی علی جانم علی علی جانم

(همان: ۱۶۴)

نوروز خوانی

چنانکه می‌دانیم از جمله آیین‌های ایران باستان که در ایران پایدار مانده و رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته است آیین نوروز است، در باور مردم تولد حضرت علی(ع) و نیز روز جلوس او به خلافت اسلامی با نوروز تقارن داشته است. به این باور در جای جای ادبیات فارسی هم اشاراتی شده است. هاتف اصفهانی می‌گوید:

همایون روز نوروز است امروز به فیروزی بر اورنگ خلافت کرد شاه لافتی، مأوا
(همایونی، همان)

در ادب عامه بویژه در ترانه‌های نوروزی هم به این تقارن اشاره شده است:

علی آن ماه اولیا

آقای ما مشگل گشا

باشد ترا پشت و پناه

نوروز سلطان آمده

گل در گلستان آمده (همان)

شاید مصرع «نوروز سلطان آمده» که به تقریب در بیشتر نوروزخوانی‌های مناطق مختلف ایران، ترجیع‌بند شعرهای نوروزخوانان است، اشاره به همین تقارن روز خلافت علی(ع) با نوروز باشد.

تکم‌خوان‌های آذری در نمایش‌های نوروزی که به آن «تکم گردانی» نام داده‌اند، شعرهایی می‌خوانند که از علی(ع) و جلوس آن بزرگوار بر اورنگ خلافت اسلامی یاد شده است:

sizun bu tâze bâyrâmuz mobârak	سیزون بو تازه بایراموز مبارک
ayuz eiluz haftuz gunuz mobârak	آیوز، ایلوز، هفتوز، گونوز مبارک
amiralmomenin taxte çoxâ jax	امیرالمؤمنین تخته چخا جاخ
amiralmomenin molâye qanbar	امیرالمؤمنین مولای قنبر
minu bedor delole yanendâ qanbar	مینو بدور، دلوله، یانندا قنبر
sizun bu tâze bâyrâmuz mobârak	سیزون بو تازه بایراموز مبارک

(عناصری، هنرو مردم: ۲۶۳ و ۲۶۲)

عید تازه بر شما مبارک باد
این ماه، این سال، این هفته و این روز بر شما مبارک باد
امیرالمؤمنین بر روی منبر خواهد رفت
امیرالمؤمنین مولای قنبر
سوار بر منبر و در کنارش قنبر قرار گرفته است
عید تازه بر شما مبارک

نیاز و طلب

در برخی ترانه‌های طلب شامل طلب باران یا قطع آن، طلب آفتاب یا ابری شدن هوا، طلب باد برای بوجاری^۱ خرمن و... ترانه‌خوان از علی(ع) تحقق خواسته خود را تقاضا می‌کند. ترانه‌های طلب پرشمارند و ما به بخشی از یک ترانه بیرجندی که در طلب باران است بسنده می‌کنیم:



۱. پاک کردن غلات و حبوبات از خار و خاشاک به وسیله غربال کردن

atalu o matallu,ey xodâye beruk	اتلُو و متلُو، ای خدای بروک
	اتلُو و متلُو، ای خدا باران کن
be ruye u šeluk	به روی او شلوک
	باران آبشار کن
taluye mâ tešne šode	تلوی ما تشنه شده
	زمین ما تشنه است
yârab bede to beru	یا رب بده تو برو
	یا رب بده تو باران
be haqe šâhe mardu	به حق شاه مردو...
	به حق شاه مردان (ترابی، بیرجند، نگارنده)

کودکانه‌ها (لالایی‌ها)

در نغمه‌های مادران برای خواب کردن نوازش و سرگرمی و بازی کودکان که آن همه را باید کتاب پرورش سنتی کودک در فرهنگ ملی نامید هم سیمای علی (ع) بازتاب دارد. مادر علی (ع) را دوستدار و حامی کودک و یار و یاور خانواده می‌داند و آنگاه که می‌خواهد جگرگوشه‌اش را به خواب بسپارد، او را به لطف و حمایت علی (ع) امیدوار می‌سازد.

لالا لالا بکن که خوابت آید
لالا لالا علی گویم
(شکورزاده، ۱۳۶۳ : ۴۴۰ و ۴۳۹)

لالا لالا علی گویم
علی برتر علی سرور
که لالا بر تو می‌گویم
علی داماد پیغمبر
(همایونی، ۱۳۷۹ : ۴۳ و ۴۲)

در زمزمه‌ی به خواب کردن کودک یاد همسر در سفر به یاد مادر می‌آید و از علی (ع) می‌خواهد که پشت و پناه و یاری‌دهنده پدر کودکش باشد.

لالا لالا گل خشخاش
بابات رفته خدا همراش
خدا همراه و یارش بو
علی پشت و پناش بو
(همان: ۴۵)

گاه از زمزمه‌ی مادر قصه‌ای پدید می‌آید از سفری رویایی برای دیدار علی(ع):

لالالای، لای، لای لالایی

شبی رفتم به دریایی

درآوردم سه تا ماهی

یکی اکبر، یکی اصغر

یکی داماد پیغمبر

که پیغمبر دعا می‌کرد

علی ذکر خدا می‌کرد

علی کنده در خیبر

به حکم خالق اکبر

لالای، لای، لای، به مشهد شی

اگر حضرت بفرمایه

تو جاروکش زینب شی (همان، ۱۳۷۶: ۱۹۲)

مادر ملایری، از نام علی(ع) برای بیدار کردن کودک هم استفاده می‌کند:

لالا لالا کنم خووت کنم مه
lâlâ lâlâ konam xuvet konom me

لالا لالا بگویم و خوابت کنم من

علی بووم و بیارت کنم مه
ali buvom o biyâret konom me

علی بگویم و بیدارت کنم من

کودکانه‌ها از این چشم‌انداز زمینه‌های دیگری هم دارند، مثلاً در روستاهای پیرامون تربت حیدریه وقتی بخواهند قن‌داق کودک را عوض کنند او را روی زمین می‌خوابانند و کف دست‌ها را از دو طرف روی زمین می‌کوبند و خطاب به کودک آرزو می‌کنند:

dardo ramjet vor zomi	درد و رنجت ور زمی
	درد و رنجت بر زمین بریزد
fereštehâ re de xov bini	فرشته‌ها ر د خو بینی
	فرشته‌ها را در خواب به بینی
be haq ovlâde ali	به حق اولاد علی
	سوگند به فرزندان علی (ع)
tel tel geš ver deri aql o deheš verderi	تل تل گش ور دری، عقل ودهش وردری
	گوشت به تنت بنشیند، از عقل و هوش برخوردار شوی
	به حق اولاد علی
	به حق اولاد علی
	به حق اولاد علی
	تل تل گش ور دری، عقل ودهش وردری
	(سلیمان پور، تربت حیدریه، نگارنده)

قصه‌های منظوم

در ترانه‌های قصه‌گو، علی و فرزندان او موضوع اوسانه‌ها و شعرهای سرگرمی و بازی کودکان هستند:

رفتم، رفتم به صحرا، دیدم یکی به تنها، گفتم چه داری در بغل؟ گفتا کتابی
پرغزل

گفتم: بخون تا گوش کنم به کشید تا بکشم اسب علی، تا علی سوار بشه.....
خدای زمین و آسمون، یا علی جون مهربون (رضوی، الیگودرز، نگارنده)

بازی

در بازی‌های محلی فارس هنگام یادگیری و انتخاب «اوسا» ی بازی، از نام علی آغاز می‌کنند.

بازیکن: علی علی
یا در ممسنی می‌گویند:

اوسا یا (طرف بازی): گلاب به جمال علی
کی ایخا اسب علینه؟

ki ixâ asbe alina

چه کسی اسب علی را می‌خواهد؟

کی ایخا زین زرینه؟
ki ixâ zine zarina

چه کسی زین زرین را می‌خواهد؟ (فقیری، ۱۳۵۳: ۵۵)

سرور و شادی

در سرور و شادی و در لحظات شور و شادابی زندگی، علی(ع) در یادها نشسته است. در خراسان خانواده‌های مذهبی در شب عروسی از ساز و ضرب استفاده نمی‌کنند. اما آتو^۱، اشعار سنگینی می‌خواند که مضمون آنها ازدواج حضرت علی(ع) با دختر پیامبر (ص) است:

بدا مبارک، بر جمله یکسر
از بهر عیش خاتون محشر...

گفتا به لقمان: آن حی داور
بندید و عقد زهرا به حیدر

یاران بگویند با دیده‌بوسی
بدا مبارک، عیش عروسی

در آخرین بند این ترانه مفصل که ضرباهنگ ترانه تند و تندتر می‌شود، شعرها همه در وصف علی(ع) است.

عیش ولی داور است، یاران مبارک باد
ساقی حوض کوثر است، یاران مبارک
تیغش به فرق کافر است، یاران مبارک باد
بادباب سریر و سرور است، یاران مبارک باد

۱. زن روضه‌خوان

شوهر زهرای اطهر است، یاران مبارک باد این عمّ پیغمبر است، یاران مبارک باد
از همه کس او بهتر است یاران مبارک باد

(شکورزاده، ۱۳۶۳ : ۱۹۵)

در واسونک‌های شیرازی (ترانه‌های ویژه عروسی) وقتی که عروس و داماد را به
حجله می‌فرستند، برای بیان صدق و صفای خود علی(ع) را گواه می‌گیرند.
کی به حجله؟ کی به حجله؟ شازده دوماد با زنش
صبح صادق بارشیم تا غنچه گل وا کنیم
ما که صدق صاف داریم، با علی سودا کنیم



منابع

الف: کتاب و مقاله

- ۱- همایونی، صادق (۱۳۷۹) **ترانه‌ای محلی فارس**، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ۲- پناهی سمنانی، احمد (۱۳۷۹) **ترانه و ترانه‌سرایی در ایران**، تهران: سروش.
- ۳- پناهی سمنانی، احمد (۱۳۶۸) **ترانه‌ای محلی ایران**، تهران: سروش.
- ۴- پناهی سمنانی، احمد (۱۳۸۰) **ترانه‌های دختران حوا**، تهران: ترفند.
- ۵- نجف زاده بارفروش، محمد باقر (۱۳۷۵) **نغمه‌های مازندران**، تهران: حوزه هنری تبلیغات اسلامی.
- ۶- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۷) **ایل‌ها چادرنشینان**، طوایف عشایری، جلد ۲، تهران: امیرکبیر.
- ۷- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۶۳) **عقاید و رسوم مردم خراسان**، تهران: سروش.
- ۸- فقیری، ابوالقاسم (۱۳۵۳) **بازی‌های محلی فارس**، شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر فارس.
- ۹- ناصحی، محمد مهدی (۱۳۷۹) **دوبیتی‌های عامیانه**، بیرجندی، مشهد: انتشارات محقق.
- ۱۰- صدیق، مصطفی، «گوشه‌هایی از زندگی مردم دهکده سمیه»، **مجله هنر و مردم**، شماره ۱۷۵.
- ۱۱- عناصری، جابر، «گذری بر موسیقی نواحی ایران»، **مجله هنر و مردم**، شماره ۵۳-۵۴.
- ۱۲- فرهادی، مرتضی (۱۳۶۴) «جوی روبی و بیل گردانی در نیم ور» به کوشش جنیدی، فریدون، **فرهنگ ایران زمین**، تهران: نشرپارسا.

ب: منابع میدانی

- ۱- افروغ، محمد، ذلقی، بشارت، الیگودرز، لرستان، مصاحبه با نگارنده.
- ۲- پاپی، کرملی، خرم آباد، لرستان، مصاحبه با نگارنده.
- ۳- پازدار، گل نساء، ذلقی، بشارت، الیگودرز، لرستان، مصاحبه با نگارنده.

- ۴- سلمان پور، عبدالمجید، تربت حیدریه، خراسان رضوی، مصاحبه با نگارنده.
۵- رضوی، عبدالله، الیگودرز، لرستان، مصاحبه با نگارنده.
۶- ترابی، محمد، بیرجند، خراسان جنوبی، مصاحبه با نگارنده.

